



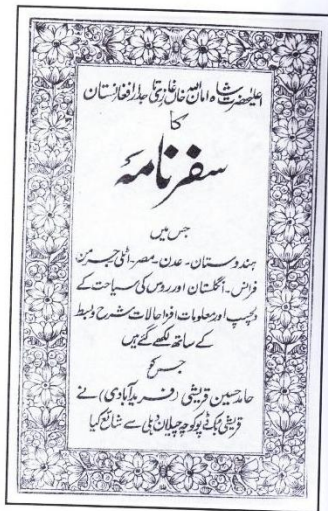
۲۰۱۲/۱۲/۲۴

داکتر سید عبدالله کاظم

یک بیانیہ مهم تاریخی سخنرانی پرمحتوای شاه امان الله در کراچی

در آغاز لازم میدانم تبریكات خالصانه و صمیمانه خود را به مناسبت اكمال نشر دو كتاب مستند و با ارزش تاریخی در سلسله نشرات پورتال وزین و معتبر «افغان جرمن آن لائن» (هریک تحت عنوان «توطئه های انگلیس علیه حکومت امانی»، تألیف دانشمند محترم داکتر عبدالرحمن زمانی و كتاب «چگونه ما به بیماری ویروس "A" مبتلا میگردیدیم»، ترجمه از زبان روسی توسط دانشمند محترم جناب غوث جانباز) بحضور هردو برادر دانشمند و نیز خدمت گردانندگان محترم پورتال که زمینه این همه فعالیت های مفید و با ارزش را مهیا ساخته اند، تقدیم دارم. البته هردو اثر در روشن سازی مزید زوایای مهم تاریخ معاصر کشور از اهمیت خاص برخوردار بوده و یقین دارم که هر یک آن به حیث مأخذ مستند و با اعتبار مورد استفاده علاقمندان و اهل تدقیق و تحقیق و بخصوص نسل جوان کشور قرار خواهد گرفت و در جهت روشن شدن واقیعت های تاریخ کشور و اجتناب از تحریف های ناشی از «حب و بغض ها» نقش بسزا خواهد داشت. امید میکنم این دو اثر ارزنده هرچه زودتر به شکل كتاب چاپ و بدسترس همه قرار گیرد.

از آنجائیکه موضوع علل و انگیزه های سقوط دوره پربار امانی در این اواخر توجه محققان تاریخ معاصر کشور را به خود جلب کرده است و كتاب اخیر محترم داکتر زمانی متکی به اسناد معتبر نقش انگلیسها را در اینکار بیش از پیش متبلور ساخته است، لذا بی مناسبت نخواهد بود یکی از بیانیه های پرمحتوای شاه امان الله را که در آغاز سفر اروپائی خود حین اقامت دو روزه در کراچی بتاريخ ۱۹ قوس ۱۳۰۶ شمسی (۱۱ دسمبر ۱۹۲۷) در محضر عام ایراد کرد، به حیث یک سند مهم تاریخی عیناً اقتباس و خدمت علاقمندان موضوع تقدیم دارم. من مختصر این بیانیه را در كتاب «سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور آسیا و اروپا ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷»، تألیف استاد عزیز الدین وکیلی پوپلزائی قبلاً مطالعه کرده بودم (۱)، ولی چندی قبل كتاب دیگری بدستم رسید که متن مکمل این بیانیه را در آن یافتیم. این كتاب را هموطن گرامی جناب سید عزیز الله مرموز از متن اصلی که به زبان «اردو» نوشته شده به دری ترجمه و در سال ۲۰۰۹ در لندن به چاپ رسانیده است. (۲) نویسنده كتاب حامد حسین قریشی فرید آبادی و عنوان آن «اعلیحضرت شاه امان الله غازی تاجدار افغانستان کا سفر نامہ...» است که در سال ۱۹۲۸ در یکی از مطابع مسلمانان هندی در دهلی طبع شده است.



قبل از اقتباس متن مکمل بیانیه شاه امان الله در کراچی، میخواهم پیرامون نقش انگلیسها در سقوط آن دوره و آوردن شخص مورد نظر بجای موصوف مطالبی را خاطر نشان کنم که شش سال قبل در میحث مربوط به دوره امانی در كتاب «زنان افغان زیر فشار عنعنہ و تجدد» نوشته بودم و نیز در مقاله «نگاهی به علل و انگیزه های سقوط دوره امانی» منتشره پورتال افغان جرمن آن لائن، مورخ اول سپتمبر ۲۰۱۲ به آن تماس گرفتم. کمال مسرت دارم که اکنون تحقیقات مستند محترم داکتر عبدالرحمن زمانی مهر تائید بر محتوای نوشته های قبلی من گذاشته است که اینک رؤس مطالب آن را محض جهت تداعی خاطر در اینجا با اختصار و ذکر صفحات كتاب ذکر میکنم: (۳)

- دلیل عمده اقدامات آشکار و نهان انگلیسها علیه شاه امان الله از همان روزهای اول سلطنت او ریشه میگیرد که با اعلام استقلال افغانستان و

د پانوی شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آن لائن په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دلیکنی دلیکنیزي ښي پاڼوالي د لیکوال په غاړه ده، هبله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکې په خیر و لولی

بعد با شکست آنها در جنگ سوم افغان - انگلیس ضربه محکم بر حیثیت سیاسی شان در منطقه و حتی جهان وارد شد. افغانستان با اینکار به حیث یک کشور استعمار شکن به دنیا معرفی گردید که شاه قهرمان این معرکه بود. انگلیس ها از همان روز در صدد انتقام بودند تا رژیم امانی را هرچه زودتر سرنگون کنند و قدرت سرکوب گر خود را به کشورهای تحت استعمار خود نشان دهند. از قیام خوست و اعزام عبدالکریم تا قیام شنوار و اغتشاش حبیب الله کلکانی همه جزء توطئه های بودند که ریشه های عمیق آنها میتوان به وضاحت در ماورای سرحد جستجو کرد که همه این ریشه ها فقط از یک منبع یعنی انگلیسها آب میخوردند. (صفحه ۱۷۴ - ۱۷۵)

- اینکه انگلیسها بجای شاه امان الله خواهان بقدرت رسانیدن چه کسی بودند تا متضمن منافع شان در افغانستان و منطقه باشد و از بین چندین مدعی قدرت در آنوقت یعنی هریک علی احمد خان والی، غلام نبی خان چرخ، محمد ولیخان دروازی و سپه سالارمحمد نادرخان کدام یک مطلوب نظر شان بود، جواب واضح است که هیچیک به اندازه محمد نادرخان و برادران مناسبتر برای انگلیسها نبود. اما مشکل کار در آن بود که محمد نادرخان و اکثر برادرانش برای چند سال از وطن دور و از حلقه مستقیم قدرت در کشور بیرون بودند و آنها نمی توانستند از خارج اقدام نمایند و در داخل نیز قدرت لازم نداشتند. بنأ پلان تاکتیکی برای این منظور باید طوری طرح میگردید که:

نخست توسط راه اندازی قیامها در شنوار و جلال آباد دولت مجبور شود قوای نظامی بیشتر به آنجا اعزام دارد تا بدانوسیله بنیه دفاعی در کابل ضعیف گردد و در همین حال زمینه پیشرفت قوای کلکانی بطرف کابل مساعد شود. علاوه بر جذب قبلی بعضی اراکین پرقدرت دولت بسوی مخالفین، از یکطرف باید اطراف شاه خالی شود و از طرف دیگر مقاومت قوای دولت در برابر گروپ کلکانی خنثی گردد. در این وضع شاه راه دیگر نخواهد داشت، جز آنکه یا تسلیم شود، یا فرار کند و یا در مقاومت کشته شود. لذا در این سناریو، قدرت بدست حبیب الله کلکانی می افتد و آنوقت کنار زدن او از قدرت کار دشوار خواهد بود.

- در این تاکتیک قبلاً سنجیده شده بود که اگر قوای کلکانی به شکست مواجه شود و سلطنت شاه امان الله از حادثه مصئون بماند، در آنصورت هیچ صدمه به شخص مورد نظر یعنی محمد نادر خان نمیرسد و حتی او میتواند ادعا کند که هدف از آمدنش به افغانستان همانا قبول دعوت شاه و مقابله در برابر شورشیان بود که البته در اینصورت احتمال داشت او قدرت از دست رفته را در دولت باز یابد. (صفحه ۱۸۳ - ۱۸۴)

- با اجرای دقیق این تاکتیک در عمل، آخرین تلاشهای شاه امان الله مؤثر نیفتاد و شاه مجبور شد تا از سلطنت استعفی داده به قندهار برود و بجایش حبیب الله کلکانی به قدرت برسد.

- پادشاهی حبیب الله در طرح انگلیسها یک دوره انتقالی بسیار کوتاه مدت و ناپایدار تلقی میشد که باید به سهولت سقوط میکرد و بجای آن محمد نادر خان و برادران بغوریت و بدون مشکل به سلطنت میرسیدند. با آنکه اینکار به همان سهولت که حدس زده میشد، عملی نگردید و هشت ماه پرمشقت را در بر گرفت، اما بالاخره آرزوی دیرینه برآورده شد و سلطنت افغانستان به کسانی تعلق گرفت که مطلوب انگلیسها و از اعتماد آنها برخوردار بودند. (صفحه ۲۱۳)

- بعضی از محققین به این نظر اند که هیچ سندی مبنی بر دخالت انگلیسها در اینکار در دست نیست، چنانکه میگویند نشرات دولتی کابل نیز در آنوقت مداخله انگلیسها را در قیام خوست رد کرده است. در این ارتباط باید خاطر نشان ساخت که انگلیسها مثل همه کشورهای استعماری در همچو موارد جدأ سعی میکردند که هیچ سند و مدرکی را مبنی بر دخالت خویش در زمینه بدست ندهند، تا مبدا موجودیت سند، موجب بی اعتماد شدن شخص مورد نظر شان نزد مردم عوام گردد. لذا فقدان سند معنی عدم مداخله را نمیدهد. اینکه چرا حکومت افغانستان دخالت انگلیسها را در قیام خوست بعداً تردید کرد، واضح است که حکومت نمیخواست بعد از سرکوبی قیام، مناسبات سیاسی خود را با انگلیسها تحت الشعاع آن قضیه قرار دهد. پالیسی رژیم امانی در آنوقت داشتن روابط حسنه و عاری از تشنج با انگلیسها بود. (صفحه ۱۳۴)

اکنون برمیگردم به بیانیه شاه امان در کراچی که بطور فشرده حاوی چند نکته بسیار مهم ذیل میباشد:

۱- تأکید شاه بر اینکه او «خدمتگار مردم» است، برای رد این شایعه بود که نمایندگان انگلیس قبل از ورود شاه بسرحد هندوستان گفته بودند که شاه امان الله تمام اختیارات را از ملت گرفته و در هر کاری مستقل و بدون فتوا و مشورت ملت اقدام میکند.

۲- تأکید شاه بر رد استبداد و تساوی حقوق مردم بدون هیچ نوع تفوق قومی، نژادی و لسانی و مذهبی.

۳- انتقاد صریح و جدی بر فعالیت ها و تبلیغات یک عده علمای متعصب دین، ملاحای تنگ نظر و پیران طریقت که از حقایق دین مبین اسلام فاصله گرفته و درگرو نفس قرار دارند و مخلوق خدا را بسوی گمراهی و خرافات میبرند.

اکثر آنها از خارج بخصوص از هند برتانوی بخاک افغانستان نازل شده اند ، ولی ریشه و رشته به بیرون سرحدات دارند و در وطن ما جال های از فریب و خدعه گسترانیده، ریشه ها و رشته حساس و ظریف اجتماعی ما را با دندان متأثر می سازند.

۴- رد آنچه که یک عده پارسی های مقیم سند در پیام خود مبنی بر اینکه گویا «افغانستان فرزند ایران است!!» بیان کرده بودند.

۵- تأکید بر اصل احترام به حقوق یکدیگر، پرورش روابط برادرانه و دوستانه در روح و ضمیر و اجتناب از اختلافات بی مایه و بی پایه.

شرح مبسوط نکات فوق اینک با ارائه متن مکمل بیانیه اعلیحضرت در کراچی - مورخ ۱۹ قوس ۱۳۰۶ شمسی (۱۱ دسمبر ۱۹۲۷) تقدیم میگردد:

شروع بیانیه:

«من از همه برادران هندوستانی نهایت شکرگذارم که آنها بسیار با خلوص و محبت تمام از من خیر مقدم بعمل آوردند. از وقتی که به سرزمین هند قدم نهاده ام، تا همین لحظه ملت هند از حد زیاد اظهار لطف و محبت کرده اند، بخصوص از تمام هندوها و سیکها و فارسی ها که با احساسات پرشور و جذبات مفرط از من خیر مقدم انجام داده اند، از صمیم قلب اظهار تشکر و امتنان دارم.

حضرات! شما در متن سپاسنامه خویش متذکر شده اید که گویا من با رعایا پیش آمد و برخورد منصفانه و سلوک مربیانه انجام میدهم. من به ارتباط این مهم میخوام اکیداً به شما گوشزد و تفهیم کنم که: من همواره وقتاً فوقتاً و بدون شک به آنها گوشزد و ذهن نشین کرده ام که بنده خدمتگذار رعایا هستم و این خدمتگذاری من کدام گفته فریبنده تشریفاتی نه، بلکه یک حقیقت منطقی است، فی الواقع من خویشتن را خدمتگار ملت می پندارم. (نعره های تحسین و مرحبا)

عزیزان من! این حقیقت باید به شما روشن شود: در زندگی من مهمترین و ارزشمندترین مقصد و هدف صرف این است تا بتوانم رعایا را تا سرحد فوز و فلاح، اعتلا و ترقی و سعادت برسانم. سعی و تلاشم جریان دارد تا حتی الوسع منافع ملی شانرا در پرتو آزادی و استقلال تأمین کنم.

هرگاه اطمینان و اعتماد ملت در زمینه حاصل گردد و به آن منزل و هدف نهائی که نهضت و ترقی کامل است، قریب گردند، آنگاه من احساس آرامی روحی و مسرت قلبی خواهم کرد و سپاس خداوندگار را بجا خواهم آورد.

واقعیت این است که تکلیف رعایا، تکلیف من و آرامی آنها، آرامی درونی و روانی مرا فراهم میدارد. این جزء کرکتر و سجایای من گردیده که آواز و صدا و احیاناً فریاد رعایا را با تعمق و توجه، باهوش و گوش سمع نموده با در نظر داشت توقعات و خواهشات مطلوب و منطقی ایشان میکوشم ترتیب اثر داده شود. هرگاه من کار و عمل مفید و موثری انجام میدهم که در آن رضا و رغبت رعایا نیز محسوس میشود، بدون شک برای من نیز خوشی و سرور زایدالوصف دست میدهد. باهمه احساس قلبی که همچو موهبت وجودم را فرا گرفته است، از درگاه خدای بی نیاز با عجز التماس می نمایم و مساعدت می طلبم که در راه خدمت صادقانه ملت توفیق عطا فرماید. (نعره های تحسین)

برادران من!

در حدود سلطنت من هر شخص، خواه مسلمان یا هندو و همچنان قوم و قبیله و تبار دیگر، همه رویهمرفته حقوق «مساویانه» دارند و خودم شخصاً از لحاظ وابستگی های گوناگون قومی و نژادی و لسانی اندک تفوق طلبی و ارجحیت و برتری را در جامعه نفی و جداً رد میکنم.

آن عصر و زمان سپری شده که کشورها در رنج و الم «استبداد» ناشی از تبعیض گرفتار بوده و فرمانروایان مملکت و امرا و خان و خوانین و ملک و رؤسای قبائل صاحب عزت و راحت بودن و غربا و مساکین و مردمان بی پناه و بی بضاعت، صرف برای فرمان بردن و اطاعت به مثابه محکومین بسر می بردند. ما شاهد تغییر و تحول زمان خود هستیم، این تغییرات سریع و چشمگیر بنا به حکم زمان حق و حقوق و عدالت و مساوات جوامع بشری را درساحات ملی و بین المللی نیز درقفا دارد، علی الرغم لجاجت ها و سرشخی ها، غلامی و بندگی و بردگی و به زنجیر کشیدن ها رنگ باخته و دارد تحویل انزوا و اضمحلال و به گونه رو بزوال میرود.

د پانوی شمیره: له 3 تر6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولۍ

تمام اهل کشورما از نگاه مراتب اصولی و قانونی و حقوقی حق مساوی دارند، احدی حق و امتیاز آنرا ندارد که هرنوع فضیلت و برتریت و اقتدار را بدون استحقاق در حیطه قدرت خود حفظ و طوری بنمایاند که گویی همه را به ارث آورده و در آن ملکیت و تصاحب دارند. این در جهان به تجربه رسیده که زورگویی ها با قانون فطرت و طبیعت در تضاد است، چه من باین امر باور و ایمان دارم که تمام انسانها در یک مقام مساوی قرار دارند و تنها فضیلت و تقوا ما را از هم تفکیک میتواند. (نعره های تحسین)

عزیزان!

اگر احساسات بعضی ها جریحه دار نشود، یک سخن را باید وضاحت دهم: در عصر کنونی ملاحی متعصب دین و مذهب ما را درید خود بطوری آورده اند که به آن وضع اسفناک و تأثر آور بخشیده اند. ملاحی تنگ نظر و پرطمع و نفس پرست پیش چشمان همه ما مذاهب را بدنام و رسوا کرده، در ضمن بندگان ساده دل خداوند «ج» را در گمراهی آماده میسازند و جوامع اسلامی را به خطر روپرو میکنند. منظور از اتخاذ دین و مذهب میان جوامع بشری بندگی و خداپرستی است، بندگان خالق متعال باین امر نیز مکلفیت دارند تا میان خود حسن سلوک و زیست باهمی داشته، تجاوز را گناه بشمارند و یکی از اهداف اسلام در جامعه انسانی نیز همین شیوه است و هر مسلمان وظیفه دارد تا به گونه ای مخلوق خدا به خداپرستی و تقوا رهنمود باشند و با در نظر داشت مذاهب مختلف سلوک و برخورد انسانی را اتخاذ و ترویج بدارند. چون پروردگار خالق عالمیان است و این واقعیت در نظر باشد و تفهیم گردد که در قبال این عالم فانی یک عالم باقی وجود دارد و کسانی که با بندگان و مخلوقات خدا و خالق بی نیاز به نحوی از انحاء و رنگی از رنگها و نامی از نامها و عنوان ها جفا روا میدارند، گویی با دین و آیین جفا روا میدارند.

برادران!

در اینصورت انسانهای که با جرس قافله جهان و حیات بشری روان اند، در سفری که پیش رو دارند باید ذخیره و توشه ای از حسنات داشته با خود حمل بدارند. با قبول این اصل مسلم به منظور تزکیه نفس، عبادت خداوند «ج» بهترین راه رستگاری تأکید شده و به ارتباط مسائل دنیوی، جهت فوز و فلاح معاملات در میان آمده و دستورالعمل های مطرح و تدوین و ترویج و مرتب گردیده که یکی از مهمات آن اتخاذ شیوه جهان بینی وسیع و روابط نیک با کشورهای و اقوام عالم بوده ایجاب دوستی ها و محبت ها دارد که مطابق با دستورالعمل ها و میثاق ها صورت پذیرد. محبت با انسانها و هموطنان از تعلیمات بزرگ دینی و مذهبی است و نمیشود در چوکات آشیانه و لانه خود منجمد بمانیم. لیکن جای بسیار تأسف و تأثر است که برخی از ملا های بی اطلاع از اصل مزایای دین و مذهب، پیرو نفس و خواهشات نفسانی خود گردیده از راه صفا و هموار دین انحراف و انصراف نموده مورد استعمال اغیار قرار میگیرند و ناگزیر میشوند دین را تحریف کنند که این اعمال آنها انجام خطرناک دارد.

قرون ماضیه که علمای حقیقی و حقیقت جو بسیار داشته حق پرستی و حق جوئی شعار شان بود، با ذهن و ضمیر روشن و قلوب پاک عمل میکردند که راه منصفانه شان همواره روشن و تابناک مینماید. بنا به شهادت اسناد تاریخی آنها آنقدر به احکام الهی و شرعیت غرای محمدی (ص) پابند بودند که در پرتو فهم و دانش و تعالیم اسلامی از جاه طلبی و نفس پرستی جداً احتراز داشتند، چون پرهیزگار واقعی بودند و پروردگار در پاداش به آنها حرمت و عزت و شهرت جاودان عطا فرموده است. در عصر موجود عده ای بنام و عنوان علمای دین، خصوصیات اصیل و ممتاز فضیلت دینی و مذهبی را رها کرده، ظاهر داری را به منظور نفس پرستی اختیار نموده اند و به همین لحاظ کسی به اعمال آنها به حث رهنما ها واقعی نمی گذارند، در هر جا خوار و ذلیل شناخته میشوند، سخنان و سوسه کننده شان در نهایت مضار جامعه را فراهم و دولت های صالح و غمخوار جامعه را پریشان و ناآرام ساخته به آسیاب بیگانه آب میریزند.

قماش دیگری که بجای مفاد در جامعه، مضار شان محسوس است، پیرهای نامقدس و صوفی نماهای کاذب و شیخ های نفس پرست سربراری های جامعه ای غرق در جهل اند که اکثر این گداهای متکبر از خارج بخصوص از هند برتانوی بخاک افغانستان نازل شده اند ولی ریشه و رشته به بیرون از سرحدات دارند و در وطن ما جال های از فریب و خدعه گسترانیده، ریشه ها و رشته حساس و ظریف اجتماعی ما را با دندان متأثر میسازند و مخلوق خدا را به گمراهی و خرافات میبرند. به من واضح معلوم است که به همین منوال فقیرنماها از افغانستان به هندوستان داخل میشوند و عاقل و باطل و کاهل در مسیر راه ها میخزند و بعضاً با مهارت مردم را به هیجان می آورند. من با عبارت صاف و پوست کنده و بدون حاشیه روی میگویم که چنین پیران کاذب تشنه مریدان جاهل و امثال آنها مایه بدنامی و احیاناً برپادی وطن و مردم و ملک و مملکت اند، چون از خدا دور اند و همچنان اینها اند که برپیکر پاک و

د پانو شمیره: له 4 تر 6

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلپکنی د لیکنیزې بنې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

پاکیزه دین و مذهب مقدس لطمه و آسیب میرسانند، به تعلیمات مذهبی صدمه میزنند و انواع بدنامی ها را مهیا میکنند و در نهایت دین مقدس و عالیجاه و عالی مقام مسلمانان را در محضر جهانیان منحنی و خرافاتی جلوه میدهند. در اینصورت من به صراحت میگویم که چنین ملاحا و صوفی نماها و پیران تجارت پیشه و طرز العمل شان در جامعه منزجر هستم و حتی اظهار نفرت دارم (نعره های تحسین)

بر علما و مشایخ و پیران که خویشتن را رهنمایان دین قلمداد میکنند، هنوز موقع در دست دارند تا به اعمال خود تجدید نظر اصلاحی بعمل آورند و پیرامون آن خواسته های زشت خویش که در عصر امروز و فردا بازار گرم ندارد و چسب و صدق آن در جامعه دشواریها بار می آورد، قهر و غضب خود را حفظ و سرکوب کنند و عکس آن اگر در راه سعادت جامعه سعی و تلاش نمی ورزند و یا نمی توانند، لاف از سنگ اندازی های متواتر و نفوس پرستی های افراطی و سیرنشدنی و مبالغه آمیز بکاهند و در برابر مردم ساده دل و بی بضاعت از فشارهای غیر مرئی و روانی کم کنند تا مبدا مقام و احترام شان در جامعه از ریشه و کن و بین ویران نگردد. از دین و مذهب سو استفاده بردن نزد خالق متعال گناه کبیره محسوب میشود.

اجازه بفرمائید چند سخن مختصر در موضوع دیگری بعرض برسانم:

درسیاسنامه برادران پارسی سندی چنین جمله تذکر رفت: «افغانستان فرزند ایران است!»

من با این گپ وقوف و باور ندارم که افغانستان باستان و کهن که تاریخ درخشان چهار هزار ساله دارد، فرزند کشوری باشد، در حالیکه خودش از نگاه تاریخی در مقام پدر کهن قرار دارد.

بهر حال میخوام باین اصل تأکید کنم که زمان و عصر ما حالا زیاد سر مسائلی که کی پدر و کدام فرزند است، فکر نمیکنند. بلی! ملت های روشن بر اصل محکم بیوندها و متحد شدن ها و تساوی حقوق برادری و برابری ها می اندیشند و اصل اسلام بنا به امر خداوند متعال مشوق و رهنمود برادری ها و برابری ها است. (نعره های تحسین)

من وقتی از کابل حرکت می کردم، متجاوز از سی هزار نفر برای وداع جمع شده و این ازدحام را مردمانی از مذاهب و اقشار و اقوام مختلف تشکیل داده بودند. من آنجا نیز به نحوی و گونه ای تفهیم و خاطر نشان کردم که از نگاه من همه مساوی المقام اند و همه را برادر خود میخوانم. من برای سنی ها و شیعه ها این نکته را گوشزد میکنم که من یابند قانون اسلام هستم و گاهی از اندیشه های احياناً جداگانه شیعه ها و سنی ها متأثر نبوده و نیستم، چون من بلا استثنا خدمتگار تمام رعایا میباشم و من به اصل این گفته باور و ایمان دارم و سخت معتقد باین گفته جاودانه هستم:

بنی آدم اعضای یکدیگرند ++++ که در آفرینش ز یک جوهر اند
چو عضوی بدرد آورد روزگار ++++ دگر عضوها را نماند قرار

باتوجه باین اصل وقتی برای شخصی تکلیف عاید میگردد، من نیز احساس تکلیف و بیقراری میکنم. التماس دارم هرفرد باین حقیقت غور و تعمق کرده با بندگان خدا(ج) حسن سلوک را دریغ نکنند و در زمینه سخاوتمند باشید.

من به شما برداران نصیحت کنان میرسانم که با همدیگر و هموطن تا منصفانه معامله داشته به حق و حقوق مقابلتان احترام بگذارید و بیش ازین اختلافات بی مایه و بی پایه را دفن کرده بجای آن روابط بردارانه و دوستانه را در روح و ذهن و ضمیرتان پرورش دهید و باخوشی و سرور زندگی بسررسانید.

یک جمله کوتاه باید بگویم که من مهمان و شما میزبان من هستید، باین لحاظ اجازه بفرمائید صرف چای خوری کنیم و حضرات شما نیز همراهی ما در مجلس خوشی و چای خوری اشتراک بفرمائید. « ختم بیانیه»

یاد داشت:

- ۱- متن مختصر بیانیه در کتاب: «سفرهای غازی امان الله شاه در دوازده کشور آسیا و اروپا ۱۳۰۶ - ۱۳۰۷»، تألیف عزیز الدین وکیلی فوفلزائی، چاپ دوم، سال ۱۳۷۹، پشاور، صفحه ۱۳- ۱۵ دیده شود.
- ۲- کتاب «سفرنامه اعلیحضرت امان الله خان به اروپا»، ترجمه سید عزیزالله مرموز، شامل بخش اول کتابی است که تحت عنوان «برگ سبز تازه از تاریخ معاصر کشور - گزارش سفر اعلیحضرت امان الله خان به اروپا و مقایسه شاه امان الله با حکمرمایان خلفش» توسط موصوف ترجمه و نگارش یافته و در ۲۰۰۹ در لندن به چاپ رسیده است. این بخش در ۱۷۴ صفحه اول کتاب گنجائیده شده و بخش دوم آن شامل «مقایسه شاه امان الله با حکمرمایان خلفش» توسط ایشان نگارش یافته و از صفحه ۲۰۰ تا ختم کتاب ادامه دارد.

د پانوی شمیره: له 5 تر6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لوی

بدينوسيله از جناب آقاي مرموز نسبت اهدا كتاب به اينجانب تشكر و ابراز امتنان ميدارم و علاوه ميكنم كه تحفه پرمحبت شان فقط يكماه قبل بدستم رسيد.

۳- كتاب « زنان افغان زير فشار عنعنه و تجدد - يك بررسي تاريخي » تأليف اين خدمتگار در ۶۰۲ صفحه در سال ۲۰۰۶ در كابل چاپ شده كه بيش از ۷۰ صفحه آن به وقايع مهم تاريخي دوره امانی اختصاص دارد.

پايان

د پانو شميره: له 6 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليكنيزي بني پازوالي د ليكوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليكنه له راليرلو مخكي په خير و لولئ